

رهبر انقلاب: براساس محاسبات الهی ایران قدرت اول جهان است



سیاست پولی نیزبخش دیگری از این معادله است. کنترل رشد نقدینگی، مدیریت ترازنامه بانک‌ها و تنظیم شرایط بازار بین بانکی می‌تواند به کاهش فشارهای تورمی کمک کند. البته محدود کردن پیش از حد اعتبار نیز می‌تواند هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها را افزایش دهد. در کنار همه این اقدامات، شفافیت در سیاست ارزی اهمیت ویژه‌ای دارد. اعلام روشن سازوکار مداخله، نحوه عرضه ارز و چارچوب سیاست‌گذاری می‌تواند بخشی از نااطمینانی بازار را کاهش دهد و مانع از تبدیل انتظارات افزایشی به تقاضای واقعی شود.

چشم‌انداز بازار ارز

بنابراین، رشد امروز دلار بیشتر از آنکه ناشی از یک عامل منفرد باشد، نتیجه هم‌زمانی انتظارات تورمی، تقاضای احتیاطی، شکاف نرخ‌ها و شرایط پولی است. به همین دلیل، کنترل بازار نیز به یک ابزار واحد محدود نمی‌شود.

عرضه هدفمند ارز می‌تواند فشار کوتاه‌مدت را کاهش دهد، اما تثبیت بازار به مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی و ارزی هماهنگ نیاز دارد؛ سیاست‌هایی که هم‌زمان عرضه و تقاضای ارز و انتظارات فعالان اقتصادی را هدف قرار دهند.

مداخله و استمرار عرضه بستگی دارد. اگر بازار تصور کند عرضه ارز صرفاً یک اقدام موقت است، ممکن است پس از کاهش مداخله، تقاضا دوباره افزایش یابد. بنابراین مسئله فقط حجم ارز تزریق شده نیست؛ بلکه قابل پیش‌بینی بودن سیاست عرضه نیز اهمیت دارد.

از سوی دیگر، استفاده گسترده از ذخایر ارزی برای کنترل قیمت، در صورتی که بدون پشتوانه درآمد‌های ارزی پایدار باشد، نمی‌تواند راهکاری دائمی محسوب شود.

بانک مرکزی چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟

یکی از گزینه‌های سیاستی، افزایش عرضه منظم و هدفمند ارز در بازار رسمی و تجاری است تا تقاضای واقعی اقتصاد از بازار آزاد فاصله بگیرد. در کنار آن، شفاف‌تر شدن فرآیند تخصیص ارز می‌تواند از شکل‌گیری تقاضای احتیاطی و انتقال آن به بازار آزاد جلوگیری کند.

گزینه دیگر، کاهش تدریجی فاصله میان نرخ‌های رسمی و بازار آزاد است. این اقدام می‌تواند انگیزه‌های ناشی از اختلاف نرخ را کاهش دهد، اما اجرای سریع آن ممکن است هزینه واردات و فشار تورمی را افزایش دهد؛ بنابراین سرعت و نحوه اجرای آن اهمیت زیادی دارد.

رکوردهای گرانی ارز با اهمال همتی

از سوی دیگر، فاصله قابل توجه میان نرخ بازار آزاد و نرخ‌های رسمی، همچنان یکی از عوامل مؤثر بر رفتار معامله‌گران است. هرچه این فاصله بیشتر باشد، انگیزه برای ورود تقاضا به بازار آزاد افزایش پیدا می‌کند و نرخ آزاد نیز به شاخص مهم‌تری برای انتظارات قیمتی تبدیل می‌شود.

در کنار این عوامل، رشد نقدینگی و فشارهای تورمی نیز در بلندمدت بر بازار ارز اثر می‌گذارند. در چنین شرایطی، هرگونه افزایش نااطمینانی اقتصادی می‌تواند تقاضای احتیاطی برای ارز را تشدید کند. بنابراین، رشد دلار را می‌توان حاصل تقویت تقاضای احتیاطی در کنار شکاف نرخ‌ها و فشارهای تورمی دانست؛ عواملی که باعث شده بازار نسبت به تغییرات عرضه، حساس‌تر شود.

آیا افزایش عرضه ارز می‌تواند بازار را آرام کند؟

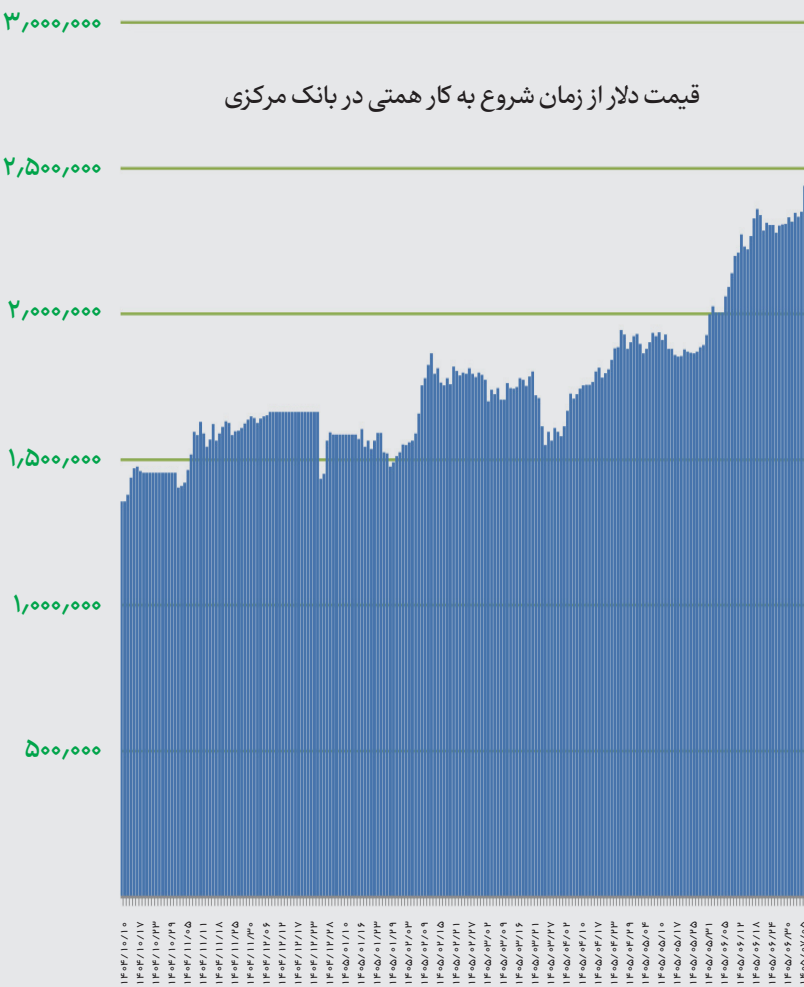
عرضه ارز یکی از سریع‌ترین ابزارهای بانک مرکزی برای پاسخ به افزایش تقاضاست. تزریق هدفمند منابع ارزی می‌تواند در کوتاه‌مدت از شدت فشار خرید کم کند، اما اثر آن به نحوه

پشتیبانی سیاست‌های نادرست ارزی عبدالناصر همتی در بانک مرکزی، قیمت دلار همچنان در حال افزایش است. روز گذشته دلار حدود ۹ هزار تومان بالا رفت و به ۲۴۴ هزار تومان رسید. دلار در روز شروع به کار همتی در بانک مرکزی در ۱۰ دی ۱۴۰۴ حدود ۱۳۵ هزار تومان بود.

دلار روز دوشنبه بار دیگر در بازار آزاد صعود کرد و در جریان معاملات به محدوده بالای ۲۴۴ هزار تومان رسید. این افزایش در حالی رخ داد که بازار ارز همچنان تحت تأثیر چند متغیر هم‌زمان قرار دارد و نمی‌توان رشد قیمت را تنها به کمبود عرضه یا افزایش تقاضای روزانه نسبت داد.

در شرایط فعلی، چهار عامل بیش از سایر متغیرها بر قیمت دلار اثر می‌گذارد: افزایش انتظارات تورمی، تقاضای احتیاطی، شکاف نرخ‌های رسمی و آزاد و فشارهای پولی و نقدینگی. افزایش انتظارات تورمی باعث شده بخشی از فعالان اقتصادی برای حفظ ارزش دارایی خود به سمت ارز حرکت کنند. این تقاضا لزوماً مصرفی یا تجاری نیست و می‌تواند صرفاً با هدف پوشش ریسک کاهش ارزش ریال شکل بگیرد.

قیمت دلار از زمان شروع به کار همتی در بانک مرکزی



است، اعلام آمادگی‌های مختلف و به خصوص آمادگی‌های مسلحانه وجود دارد تا آوردگاهی بسازد که ایشان را نام، و دشمنشان را ننگ نصیب کند.

روزهایی بود که عنصر دلیری مردمان این مرز و بوم، با مردانش شناخته می‌شد؛ اما اینک در روزهایی هستیم که بانوان در بعضی از عرصه‌های حضور دلیرانه، از مردان سبقت می‌گیرند.

روز‌هایی بود که دشمن سعی کرده بود بوقیقه اجتماعی نظام را دائماً ضعیف‌تر سازد، ولی در این روزها انواع اقشار جامعه با نقاوت‌های اشکار، بر حفظ مواضع جنگ خود و جمله جنگ‌کنه بر خیر و برکت هرمز برای می‌فشاند. این مقایسه بین روزهای سابق و روزهای حال با هم قابل بسط و توضیح است، ولی در یک کلام، بنده به عنوان خادم مردم عزیز ایران اعلام می‌کنم که آن روزهای سابق که دشمن آن‌ها را زبانی با رکشیت به آن دارد، گذشت و دیگر هیچگاه تکرار نخواهد شد، البته باید یاد دارد و دانده یادآور شوم که در این روزها جای خمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشان شهید اعلی‌الله‌فام‌همه‌الشریف که عزت امروز کشور، امده رهبری آنان است، بسیر خالی است، ولی به برکت کنجی از زشمندی که در اعلمکدر و کلمات درخشان و هدایت بخشی ایشان برای پیروان‌شان به جا مانده، روزهای آینده به مراتب شگوهمندتر از این روزها خواهد بود. بزرگان قنوسی که از خرمن آتش جنگ تحمیلی اول برآمد، تحمیل در اثر فشارهای دشمن و به خصوص دو جنگ تحمیلی اخیر، آن چنان زجر شده است که سایه پرازش بر سرزمین‌های دشمن هم افتاده است.

در این مجال بسیار بجا است که به مناسبت دومین سالگرد شهادت امیر قهرمان عرب و نماد بزرگ جبههٔ مقاومت، حضرت علی قزلباش سید شمس نصرالله قدس الله شهبه الکرته، بادی از آن جانب به عمل آید. کسی که خیرخواهی صادق برای ملت خود و مکتبش بود و خطبه‌های صادقانه و با حلاوت او و اقدامات شجاعانه‌اش، قلوب مردمانش و بلکه آزادگان جهان را مستحکم می‌ساخت. کسی که نام لبنان را که کشور کوچک است و سال‌ها عظمای خلوت بعضی قدرت‌ها شده بود را به عظمت بلند ساخت. کسی که نصرت و فتح و همراهان دائمی او بودند و کسی که بی‌تردید در طول کل تاریخ شامات تاکنون، پس از انبیا و اوصیاء ایشان، زنجی به عظمت او در آن خطهٔ حق سر بلند نکرده بود؛ و البته اینک پرچم افتخار او در دستان جناب شیخ نعم‌الحسین محضه‌الله است که دلبرانه در پیشانی‌های صف مستحکم و عاشورایی حزب‌الله، را‌او را همچنان ادامه می‌دهند. این روزهای لبنان در پیشگاه تاریخ و بلکه از همین حال، روزهای برجسته و افتخار برای ایشان و همایهٔ مجرودان مقاومت، و روزهای ذات‌آفرین و نهایی سرافکننده برای آن کسانی است که در مقابل

دشمن صهیونی چشم امید به وعده‌های دروغین سلطه‌گران و بدخواهان خود دوخته‌اند. کسانی که بر خلاف سید شهید مقاومت و سید هاشم صفی‌الدین و مجاهدان کنونی مقاومت که در استمرار زمان، چون اخترانی تابناک نوافشانی خواهند کرد و راهنمای رهجویان مانده در حیرت‌ها خواهند بود، خیلی زود و در اولین تَوَرَقِ صفحات تاریخ، مدفون و فراموش خواهند شد و هرگاه در آینده یادی از ایشان به‌همین آید، یادآور بدی و بی‌تدبیری و حتی شاید خیانت خواهند کردید.

در پایان امیدوارم
استمرار تفصّلات الهی
و دعای خاص سرورمان
عجل الله تعالی فرجه الشرفی
و ارواحنا فداه، ملت ایران
و همه یاران مقاومت، جز
با نصر و فتح و عزّت و
دشمنان شان جز با شکست
و خوارى مواجّه نشوند؛
بمحلّ الله و کرمه.

سید مجتبی حسینی حامنه‌ای
۱۴۰۵/مهر/۶

۱۴۰۵/مهر/۶



رهبر معظم انقلاب:

روزهای آینده به مراتب شکوهمندتر از این روزها خواهد بود

گزارش

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت هفته دفاع مقدس، ضمن مرور رویدادهایی که کام ملت را در دوران طاغوت تلخ کرده بود، به مقایسه آن روزها و امروز ملت ایران پرداختند و تأکید کردند: روزهای آینده به مراتب شکوهمندتر از این روزها خواهد بود.

[illegible]

رهبر انقلاب اسلامی همچنین با کارآمدی داشت دومین سالگرد شهادت امیر قهرمان عرب و نماد ساز قوه مقاومت جنتاب سید حسن نصرالله را برگزار می‌کند و مجاهدات عاشورایی جنتاب شیخ نعیم قاسم دیرکل و رزمندگان حزب الله لبنان، خاطر نشان کردند: این روزهای مقاومت، و روزهای ذلت‌آفرین و نهایتاً سرافکنده دشمن است که در مقابل دشمن صهیونی چشم‌پایه‌ها و وعده‌های دروغین سلطه‌گران و بدخواهان خود دوخته‌اند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ قَوْمٌ مُّسْرِئُونَ
افزاین روزهای ماه مهر، یادآور ایام الله و پدیدۀ عظیم
و ماندگار دفاع هشت ساله جابانه ملت ایران در جنگ
تحمیلی اِیل است. در آن روزها شب گرم خورشید انقلاب
در پهنه سرزمین ایران، حس مطبوعی از همهجانبی مکی
و وفاداری به مکتب و مرام اسلام انقلابی می پرزاند که در حال
افزایندهای خا بهای سلطه گری و استعمارگر و نوین در حال

فرصت ارزی مغفول بابت فعالیت نیروی کار افغانستانی در ایران

جعفر قادری

نمایندہ مجلس

حضور میلیون‌ها نیروی کار افغانستانی در اقتصاد ایران، در کنار همه ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن، یک واقعیت مهم را پایش روی سیاست‌گذاران قرار داده است: واقعیتی که اگر با یک سیاست مالی و ارزی هوشمندانه مدیریت شود، می‌تواند از یک چالش بالقوه به یک فرصت اقتصادی برای کشور تبدیل شود.

کارگران افغانستانی در ایران، دستمزد خود را به ریال دریافت می‌کنند. طبیعی است در شرایطی که نگرانی نسبت به کاهش ارزش پول ملی وجود دارد، این افراد تمایل داشته باشند ریال دریافتی خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به ارز تبدیل کرده و یا از کشور خارج کنند. همین رفتار، علاوه بر ایجاد هزینه و دشواری برای خود آنان، تقاضای مضاعفی را به بازار ارز تحمیل می‌کند و می‌تواند بر تعادل و آرامش بازار ارز گذار باشد.

راهکاری می‌تواند ایجاد امکان افتتاح حساب ارزی به واحد پول افغانستان، یعنی افغانی، برای اتباع افغانستانی شاغل در ایران باشد. به این معنا که کارگر افغانستانی بتواند متناسب با دستمزد و فعالیت اقتصادی خود، منابع مالی اش را در قالب حساب ارزی مبتنی بر افغانی در شبکه بانکی کشور نگهداری کند و از خدمات سپرده‌گذاری و سایر ابزارهای مالی بهره‌مند شود.

آن روزهایی که آنان دوست دارند کشور ما به آن برگرداند.
روزیایی بود روز باز عقب ماندگی، دلت و خوری، و ابستگی
و بدنامی ایران در جهان اسلام؛ و این روزهایی که در آن
هستیم پُر از است از پیشرفت، عزت، استقلال، و قدر آلائی
اعتبار در جهان اسلام و بلکه کل جهان. امروز کسانی
ما را بر قدرت چهارم دنیا می دانند. البته آنان بر اساس
محاسبات دنیایی چنین می گویند؛ ولی محاسبات الهی،
کشوری که خود را متعلق به عترت طاهره صلوات الله و
سلامه علیهم اجمعین می داند و عمده مردمانش دلبسته
است به انعامانند و برای اقامه حق هراسی ندارد در قدرت
اول جهان می داند.

آن روزها دو دریای جنوب ایران، جولانگاه نیروهای دشمن بود، ولی این روزها آنان به خاطر ضربات دردآوری که از زمین‌گان دلاور و محافظان تنگه هرمز خورده‌اند، از دریای عرب جلوتر نمی‌آیند و هرگاه این خط‌را به جان خریدند، آسیمی به خود وارد نموده‌اند؛ و زود است که دریای عرب هم خود را از آنان خالی کند.

روز‌هایی بود که سلطه‌گران با عملیات روانی و ایجاد فضای ارباب، خیابان‌های پایتخت را خلوت ساخته و کودتای علیه استقلال جویی این ملت به راه انداختند و پس از آن ۲۵ سال ثروت‌های این مملکت را غارت کردند؛ ولی ایسین روزها هفت ماه است هموطنان ما میادین و خیابان‌ها را در سراسر کشور به حضور مسئولانه و پرشور خود زینت بخشیده‌اند تا دل رزمندگان اسلام گرم باشد و دشمن در هراس فرورود. همچنان که بیش از ۳۰ میلیون ایرانی، جانشانی خود را اعلام نمودند و آنگاه که

برای نوعی سازماندهی بنابر اعلام مجدد حضور ایشان بود، تنها در ظرف ۱۰۰ دقیقه نخست، بیش از ناصد هزار نفر ظرفیت خواسته شده را تکمیل کردند. هم اکنون در سراسر ایران اسلامی که مژین به حضور ایرانیان از اقوام متنوع

مارافغانستانی در



این سیاست، در صورت طراحی دقیق، چند دستاورد هم‌زمان خواهد داشت. نخست اینکه بخشی از منابع مالی کارگران افغانستانی به جای خروج فوری از کشور، در شبکه بانکی ایران باقی می‌ماند. دوم، این منابع می‌تواند به سپرده‌های بانکی و در نهایت منابع قابل استفاده برای تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شود. سوم، تقاضای این گروه برای خرید فوری ارز کاهش می‌یابد و فشار بر بازار ارز کمتر می‌شود.

آن روزهایی که دشمن
این ملت نوکران خود را بر
ایشان مسلط ساخته بود
و شکلی نوین از استعمار
را اعمال می نمود، به برکت
انقلاب و برافراشتن پرچم
اسلام و جهاد دبستر
جنگ تحمیلی، به روزهایی
پرافتخار تبدیل شد که
هنوز پس از گذر ۳۸ سال از
انتهای آن، از ملاحظه جزء
جزء حوادث آن و روایت های
صادقانه بازماندگانش،
اسوه هایی که هریک
درس آموزعبادت، شجاعت،
مقاومت، اخلاق، و انسانیت
هستند، همچون ستارگانی
درخشان بر تارک تاریخ
کشورمان رخ می نمایند

برای یک خانوار چهار نفره، اگر حداقل افزایش ۳۰۰ هزار تومان به ازای هر نفر اعمال شود، اعتبار ماهانه ۱.۲ میلیون تومان افزایش پیدامی‌کند و از ۴ میلیون به ۵.۲ میلیون تومان می‌رسد. البته این محاسبه بر مبنای حداقل افزایش اعلام‌شده است و رقم نهایی برای هر گروه باید طبق اعلام رسمی ملاک قرار گیرد.

از همین جایک نکته مهم‌روشن می‌شود؛ قدرت خرید کالابرگ فقط به عدد اعتبار وابسته نیست، بلکه به قیمت‌های سب‌دی بستگی دارد که خانوار قرار است باآن خرید کند. اگر قیمت اقلام سریع‌تر از اعتبار حمایتی افزایش پیدا کند، افزایش اسمی کالابرگ لزوماً به معنای افزایش محسوس قدرت خرید نخواهد بود.

فاصله قیمت‌ها در سبد خانوار

یکی از نکات قابل توجه بازار در آغاز مهر، فقط بالا یا پایین بودن یک قیمت نیست؛ بلکه دامنه گسترده قیمت برخی کالاهاست. برای نمونه، مرغ در محدوده ۲۵۰ تا ۲۹۰ هزار تومان و تخم‌مرغ در محدوده ۲۴۰ تا ۵۳۰ هزار تومان عرضه شده‌است. در برنج ایرانی نیز فاصله میان کف و سقف قیمت به ۲۰۰ هزار تومان در هر کیلومی‌رسد. بنابراین، عنوان «قیمت بازار» بدون مشخص کردن نوع کالا، وزن، کیفیت و محل عرضه می‌تواند تصویر دقیقی از هزینه واقعی خرید خانوار ارائه نکند. برای سیاست‌گذار نیز رصد زمان قیمت‌ومیزان دسترسی خانوار به کالا اهمیت بیشتری پیدامی‌کند؛ چراکه صرف وجود کالا در بازار لزوماً به معنای دسترسی یکسان همه خانوارها به آن نیست.

پایب‌سی‌دی که هنوز ازان نشده‌است

بررسی بازار در هفته اول مهر نشان می‌دهد اگرچه همه اقلام روند افزایشی مشابهی نداشته‌اند و حتی در برخی کالاها مانند مرغ، سف قیمت نسبت به گزارش قبلی پایین‌تر آمده‌است، اما سطح قیمت بخش مهمی از کالاهای پرمصرف همچنان بالاست.

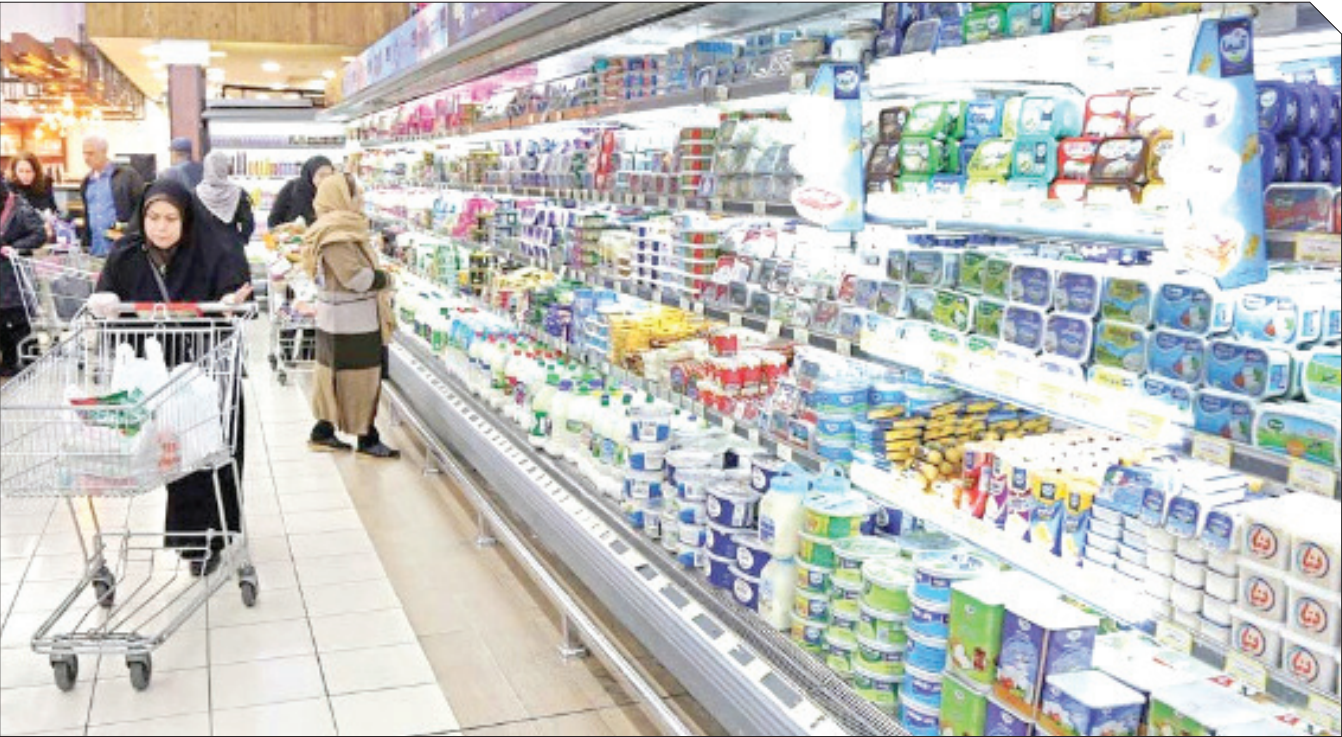
در این میان، افزایش اعتبار کالابرگ می‌تواند بخشی از هزینه خرید خانوارهای مشمول را پوشش دهد، اما اثر واقعی آن زمانی مشخص خواهد شد که اعتبار جدید در برابر قیمت‌رود سب کالا قرار گیرد. به بیان دیگر، معیار سنجش این حمایت فقط افزایش عدد اعتبار نیست؛ بلکه باید دید خانوار با اعتبار جدید چه مقدار از اقلام مورد نیاز خود را می‌تواند تهیه کند.

از آنجا که افزایش جدید کالابرگ از مهرماه وارد مرحله اجرایی‌شود، قیمت‌های هفته اول مهر را می‌توان نقطه مبانی برای سنجش قدرت خرید دانست. پس از اجرای اعتبار جدید، مقایسه همین قیمت‌ها با میزان خرید واقعی خانواری می‌تواند مشخص کند که افزایش کالابرگ تا چه اندازه توانسته بخشی از فشار هزینه‌های غذایی را جبران کند.

قدرت خرید خانوار معیار واقعی انگذاری کالابرگ است

در نهایت، مسئله اصلی فقط این نیست که مرغ، تخم‌مرغ، برنج یا روغن گران شده‌اند یا ارزان‌تر شده‌اند؛ مسئله این است که قدرت خرید خانوار در برابر این قیمت‌ها چه تغییری کرده‌است. افزایش اعتبار کالابرگ برای بخشی از خانوارها می‌تواند حمایت بیشتری برای تأمین اقلام ضروری ایجاد کند، اما میزان اثرگذاری آن به فاصله میان رشد اعتبار و هزینه واقعی سبد غذایی بستگی دارد.

بنابراین، افزایش کالابرگ را باید نه با رقم اسمی آن، بلکه با یک معیار روشن سنجید: خانوار پس از دریافت اعتبار جدید، نسبت به قبل چه مقدار بیشتر می‌تواند از سب غذایی مورد نیاز خود خریداری کند؟ پاسخ به همین مقایسه در هفته‌های آینده مشخص خواهد کرد که افزایش کالابرگ تا چه اندازه قدرت خرید خانوار را تقویت کرده و چه میزان از فشار هزینه‌های سفره‌را جبران می‌کند.



افزایش کالابرگ چقدر از هزینه مهر را جبران می‌کند؟

گوشت قرمز همچنان کالای گران‌سفره‌است

در بازار گوشت قرمز نیز فاصله قیمت‌ها قابل توجه است. طبق رصد هفته منتهی به ۳ مهر، قیمت راسته گوساله بدون استخوان حدود یک میلیون و ۷۹۰ هزار تومان و شقه کامل گوسفندی ۹۹۰ کیلو یک میلیون و ۵۳۰ هزار تومان اعلام‌شده‌است. ذبیه نیز حدود ۹۹۰ هزار تومان قیمت‌داشته و ران شتر مرغ به حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسیده‌است.

این ارقام نشان می‌دهد گوشت قرمز همچنان در بخش بالای هزینه‌های

خوراکی خانوار قرار دارد. در چنین شرایطی، تفاوت قیمت میان انواع گوشت و شیوه عرضه اهمیت بیشتری پیدامی‌کند و انتخاب خانوارها بیش از گذشته به قیمت نهایی محصول وابسته می‌شود.

برنج ایرانی تا ۵۶۰ هزار تومان رسید

برنج نیز یکی دیگر از اقلامی است که در هفته اول مهر با دامنه قیمتی

گسترده عرضه شده‌است. براساس داده‌های بازار، قیمت برنج ایرانی بین ۳۴۰ تا ۵۶۰ هزار تومان و برنج خارجی بین ۱۳۹ تا ۳۴۰ هزار تومان

گزارش شده‌است.

این اختلاف قیمت در بازار برنج نشان می‌دهد که نمی‌توان برای تمام انواع این کالا یک نرخ واحد در نظر گرفت. نوع برنج، کیفیت، برند و محل عرضه، عوامل تعیین‌کننده در قیمت نهایی هستند. از طرف دیگر، برنج از اقلامی نیست که به‌سادگی از سبد مصرف خانوار حذف‌شود؛ بنابراین ماندگاری قیمت آن در سطوح بالا، مستقیماً

روی هزینه ماهانه خانوار اثر می‌گذارد.

روغن و لبنیات هزینه‌های کوچک اما تکرار‌شونده

در بخش روغن خوراکی نیز اختلاف قیمت میان انواع محصولات قابل مشاهده‌است. روغن سرخ‌کردنی ۸۱۰ گرمی در هفته منتهی به ۳ مهر حدود ۳۳۲ تا ۴۸۱ هزار تومان و روغن مخصوص پخت‌وپز در همین وزن حدود ۲۳۰ تا ۳۷۹ هزار تومان قیمت‌داشته‌است. در بازار را لبنیات نیز شیر بربری ۹۶۶ گرمی کم‌چرب در محدوده ۲۹۰ تا ۵۳۰ هزار تومان و هر کیلو مرغ تا ۲۹۰ هزار تومان قیمت‌داشته‌است. بنابراین حتی چند صد هزار تومان افزایش اعتبار، اگرچه می‌تواند بخشی از هزینه خرید را پوشش دهد، اما در برابر مجموع هزینه اقلام ضروری باید سنجیده‌شود.

گزارش آربین فضلی

بازار کالاهای اساسی در نخستین روزهای مهر۱۴۰۵ همچنان با فاصله قابل توجه قیمت میان اقلام پرمصرف روبه‌رواست؛ مرغ تا ۲۹۰ هزار تومان، شانه تخم‌مرغ تا ۵۳۰ هزار تومان و برنج ایرانی تا ۵۶۰ هزار تومان قیمت‌خورده‌است؛ اقلامی که نشان می‌دهد هزینه تأمین اقلام پایه سفره خانوار همچنان بالاست و حالا باید دید افزایش اعتبار کالابرگ تا چه اندازه می‌تواند این فشار را از دوش خانوارها بردارد. اولین هفته مهر برای بازار مواد غذایی با تغییرات یک‌دست قیمت همراه نبود. برخی کالاها در محدوده‌های قیمتی قبلی معامله می‌شوند، اما در بخش پروتئین و برخی اقلام پرمصرف، فاصله قیمت‌ها میان حداقل و حداکثر قابل توجه است. همین اختلاف باعث شده هزینه خرید یک سبد معمولی مواد غذایی، بسته به نوع کالا و محل خرید، تفاوت محسوسی داشته‌باشد. بررسی قیمت‌های بازار در هفته منتهی به ۳ مهر نشان می‌دهد گوشت مرغ در محدوده ۲۵۰ تا ۲۹۰ هزار تومان قرار گرفته‌است. این در حالی است که گزارش هفته منتهی به ۱۹ شهریور، قیمت مرغ را بین ۲۷۵ تا ۳۳۰ هزار تومان اعلام کرده بود؛ بنابراین نمی‌توان از یک روند افزایشی یک‌دست در تمام بازار صحبت کرد و بخشی از تفاوت نرخ‌ها به نوع عرضه و محل فروش مربوط می‌شود.

مرغ و تخم‌مرغ دو قلم مهم سفره خانوار

مرغ همچنان یکی از اصلی‌ترین منابع پروتئین خانوار محسوب می‌شود و قیمت آن مستقیماً روی هزینه خرید ماهانه اثر می‌گذارد. در هفته اول مهر، نرخ هر کیلو مرغ در بازار بین ۲۵۰ تا ۲۹۰ هزار تومان گزارش‌شده‌است. گزارش‌های منتشرشده در روزهای ابتدایی مهر نیز از عرضه مرغ در همین محدوده خبری‌دهند. تخم‌مرغ نیز وضعیت مشابهی دارد. قیمت یک شانه ۳۰ عددی در محدوده ۲۶۰ تا ۵۲۰ هزار تومان قرار گرفته‌است. این باره نشان می‌دهد نوع محصول، وزن و نحوه عرضه می‌تواند اختلاف قابل توجهی در هزینه نهایی خرید ایجاد کند. در واقع، برای خانواری که خرید ماهانه خود را با چند قلم پروتئینی تنظیم می‌کند، همین دو کالا می‌توانند بخش قابل توجهی از هزینه سبد غذایی را به خود اختصاص دهند؛ به خصوص زمانی که خرید از بازار آزاد با نرخ‌های بالاتر انجام‌شود.

افزایش ۳۰۰ هزار تومانی کالابرگ فایده ندارد

افزایش ۳۰ درصدی اعتبار کالابرگ بدون محاسبات اثر بخشی، هیچ تأثیر ملموسی در زندگی خانواده‌های کم‌درآمد ندارد. وقتی قیمت یک کیسه ده کیلوپی برنج بی کیفیت هندی، ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است، چطور می‌توان افزایش ۳۰۰ هزار تومانی کالابرگ یک میلیون تومانی را تأثیرش برای حل بحران معیشت دانست؟

به گزارش ایلنا، از قرار، طرح افزایش حداقل ۳۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابرگ از مهرماه برای بخشی از جامعه مشمولان طرح کالابرگ اجرایی‌شود. بااین حال، ثبت تورم نقطه‌به‌نقطه ۱۲.۸ درصدی خوراکی‌ها در مردادماه و تحمیل تورمی بالا در میانگین کشوری در دهک‌های کم‌درآمد، این پرسش مطرح‌است که افزایش ۳۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابرگ، تا چه اندازه می‌تواند قدرت خرید از دست‌رفته خانواده‌های فردوست کشور را جبران کند؟

از ابتدای سال، بارها وعده افزایش رقم کالابرگ از سوی مسئولان مطرح شد و اظهارات ضد و نقیض درباره آن به گوش رسید. سخنگوی دولت در ماه‌های ابتدایی سال، افزایش مبلغ کالابرگ را یکی از برنامه‌های مهم حمایتی عنوان کرد. نمایندگان مجلس نیز بر ضرورت به‌روزرسانی سالانه مبلغ کالابرگ متناسب با نرخ تورم تأکید داشتند. در مقابل، سازمان برنامه و بودجه با بررسی منابع تبصره‌دهندگی بارانه‌ها در قانون بودجه، اعلام کرد که منابع کافی برای افزایش مبلغ پرداختی به همه مشمولان وجود ندارد. این سازمان پیشنهاد کرد برای تأمین منابع مورد نیاز، دهک‌های پردرآمد از طرح حذف شوند تا اعتبار موجود به دهک‌های پایین‌تر اختصاص یابد. سه‌شنبه ۳ تیر، یعقوب اندیش‌معاون وزارت رفاه‌روز در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با شبکه خبر رسماً اعلام کرد که بحث افزایش مبلغ کالابرگ برای تمام یارانه‌گیران منتفی شده‌است. بر اساس این تصمیم، تنها دهک‌های اول تا ششم مشمول افزایش اعتبار کالابرگ خواهند بود و سایر دهک‌ها همان مبالغ قبلی را دریافت می‌کنند.

در نهایت، یکشنبه ۲۹ شهریور، علی مدنی‌زاده، وزیر امور

اخبار



((تصویر ضعف)) و ((التماس مذاکره))؛ دو خطای راهبردی روایت ایران در نیویورک

میرهادی رهگشای

روایت ایران در نیویورک دو خطای راهبردی داشت؛ برجسته کردن مشکلات و فشارهای ایران به شکلی که «تصویر ضعف» ساخت و تکرار آمادگی برای مذاکره با طریقی که همچنان محاصره، تهدید و آرایش جنگی خود را حفظ کرده‌است؛ رویکردی که می‌تواند به «التماس مذاکره» تعبیر‌شود. چنین پیمانی این برداشت را در واشگتن تقویت می‌کند که فشار مؤثر بوده و باید ادامه پیدا کند. ایران باید ضمن تأکید بر هزینه‌های اقتصادی و سیاسی جنگ برای طرف مقابل و حفظ اهرم‌های خود، تصریح می‌کرد مذاکره تنها زمانی معنا دارد که آمریکا ابتدا با اقدام عملی نشان دهد سیاست جنگ و اجبار را کنار گذاشته‌است. مذاکره نباید پاداش فشار بر ایران باشد. آنچه از مجموع سخنرانی و مصاحبه‌های رئیس‌جمهور ایران در نیویورک به مخاطب خارجی منتقل شد، دو ضعف آشکار داشت: تصویر ضعف و التماس مذاکره.

ایران از مشکلات دشوار و کم سابقه خود گفت، بر نخواستن جنگ تأکید کرد، قدرت گسترده آمریکا را به رسمیت شناخت و هم‌زمان بارها اعلام کرد همچنان آماده مذاکره و توافق است. کنار هم قرار گرفتن این گزاره‌ها می‌تواند یک پیام ساده برای واشگتن داشته‌باشد؛ ایران زیر فشار است، ادامه جنگ را نمی‌خواهد و اگر فشار بیشتر شود، با هم راه مذاکره را باز خواهد گذاشت. این تصویر انگیزه ادامه فشار را افزایش می‌دهد. اگر آمریکا تصور کند محاصره، تهدید و جنگ ایران را مشتاق‌تری به مذاکره کرده‌است، دل‌پلی برای کنار گذاشتن این ابزارها نخواهد داشت.

خطای اول: نمایش ضعف به جای برجسته کردن هزینه طرف مقابل

واقعیت تقابل فقط مشکلات ایران نیست. آمریکا نیز هزینه اقتصادی و سیاسی پرداخته‌است. قیمت بالای انرژی و گازوئیل، فشار هزینه زندگی وگرانی‌های انتخاباتی به نقاط ضعف دولت آمریکا تبدیل شده‌اند. در نظرسنجی Reuters/Ipsos محبوبیت دونالد ترامپ به ۳۲ درصد رسیده و تنها ۱۷ درصد پاسخ‌دهندگان از عملکرد او در زمینه هزینه زندگی رضایت داشته‌اند. برخی نامزد‌های جمهوری خواه نیز خواهان پایان سریع‌تر جنگ شده‌اند. در تنگه هرمز نیز ایران نشان داده‌است که ابزار واقعی برای افزایش هزینه طرف مقابل دارد. این تنگه اکنون به یکی از محورهای اصلی چانه‌زنی میان ایران و آمریکا تبدیل شده و گزارش‌ها از مذاکره درباره پیوند میان بازگشایی تنگه هرمز و پایان محاصره ایران حکایت دارد. این واقعیت با تصویری که ایران فقط در حال تحمل فشار و انتظار برای تصمیم آمریکا است، فاصله زیادی دارد. اگر منافع ایران تحت فشار قرار گرفته‌است، طرف مقابل نیز نباید انتظار داشته‌باشد منافع اقتصادی و راهبردی خود را بدون هزینه حفظ کند. اهمیت اهرم زمانی آشکار می‌شود که ادامه فشار برای فشاردهنده نیز هر روز پرهزینه‌تر شود.

خطای دوم: مذاکره نباید پاداش جنگ و محاصره باشد

خطای دوم، اعلام مکرر آمادگی برای مذاکره با طریقی است که از نگاه ایران توافقی‌های قبلی را نقض کرده، جنگ را آغاز کرده و هنوز محاصره و تهدید کرده‌است.

مذاکره زمانی ارزش دارد که طرف مقابل به تعهداتش پایبند بماند. اگر تجربه گذشته این اعتماد را از بین برده‌است، تکرار آمادگی برای توافق بدون تغییر رفتار طرف مقابل می‌تواند این برداشت را ایجاد کند که فشار نظامی و اقتصادی راه مؤثری برای کشاندن ایران به میز مذاکره است. در چنین شرایطی، بازسازی اعتماد باید با اقدام آغاز شود، نه وعده. پایان محاصره، کنار گذاشتن تهدیدهای جنگی، کاهش بخشی از آرایش نظامی آمریکا در منطقه به سطحی که امکان آغاز سریع جنگی مشابه از بین برود و تعیین سازگاری برای رسیدگی به خسارت‌های جنگ می‌تواند نشانه‌ای از تغییر واقعی سیاست باشد.

طریقی که از نگاه ایران توافق را نقض کرده و همچنان ابزارهای فشار را حفظ کرده‌است، ابتدا باید با اقدام عملی نشان دهد که سیاست جنگ و اجبار را کنار گذاشته‌است. تنها پس از آن است که مذاکره دوباره می‌تواند معنا پیدا کند.

حقایق با استغای حق یکی نیست

ایران بارها در سازمان ملل و دیگر مجامع بین‌المللی تلاش کرده ثابت کند آغازگر جنگ نبوده، تحریم‌ها را ناعادلانه‌اند و در پرونده هسته‌ای استانداردهای دگانه وجود دارد. این تلاش‌ها می‌تواند برای مشروعیت بین‌المللی ایران مفید باشد، اما اثبات حقایق با گرفتن حق یکی نیست. روابط بین‌الملل فقط عرصه داوری اخلاقی نیست. کشورها زمانی ناچار به تغییر محاسبات خود می‌شوند که ادامه یک سیاست برایشان هزینه‌ای بیش از منافع آن ایجاد کند. تنگه هرمز در ماه‌های اخیر نمونه روشنی از همین واقعیت بوده‌است. اهمیت جغرافیایی این تنگه ده‌ها ده‌ها شناخته شده بود، اما زمانی که اختلال در آن برفت، فرآورده، تجارت و اقتصاد کشورهای مختلف آن گذاشت. این ظرفیت جغرافیایی به یک ابزار واقعی چانه‌زنی تبدیل شد. حقایق است لازم است، اما بدون قدرت و اهرم الزام چندانی برای طرف مقابل ایجاد نمی‌کند.

ایران نباید محتاج پایان جنگ دیده‌شود

پیام مؤثر این نیست که ایران از جنگ استقبال می‌کند یا جنگ برای کشور هزینه‌ای ندارد. چنین ادعایی نه لازم‌است و نه باورپذیر. پیام مؤثر این است که ایران برای پایان جنگ محتاج تصمیم آمریکاییست و ادامه فشار، هزینه طرف مقابل را نیز افزایش خواهد داد.

ایران هزینه می‌دهد؛ آمریکا نیز هزینه می‌دهد. ایران تحت فشار اقتصادی قرار دارد؛ طرف مقابل نیز با فشار انرژی، تورم و هزینه سیاسی مواجه است. ایران از گزینه‌های آمریکا آسیب می‌بیند؛ آمریکا نیز نمی‌تواند انتظار داشته‌باشد گزینه‌های ایران بلا استفاده باقی بماند. بنابراین روایت ایران از این تقابل می‌تواند بسیار روشن‌تر باشد؛ شما نتوانسته‌اید ایران را تسلیم کنید، خودتان نیز زیر فشار هستید و تا زمانی که قواعد جنگ، محاصره و تهدید را کنار نگذارید، نمی‌توانید انتظار داشته‌باشید ایران اهرم‌هایش را کنار بگذارد.

تا زمانی که آمریکا با اقدام عملی نشان نداده سیاست جنگ و اجبار را کنار گذاشته‌است، ایران دلیلی برای واگذاری یک طرفه اهرم‌های خود ندارد. حق گرفتن است، نه التماس کردن؛ و مذاکره زمانی ارزش دارد که طرف مقابل برای رسیدن به آن ناچار به تغییر رفتار شده‌باشد.

حفظ شود، باید مبلغ پرداختی به ازای هر نفر به حدود شش میلیون تومان برسد. البته همان مبلغ اولیه نیز کم بود، اما حداقل با چنین افزایشی می‌توانستیم به قدرت خرید روز اول نزدیک شویم. بنابراین با افزایش مبالغ به صورت ریالی مخالفم و انتظار داریم کالابرگ براساس وزن و مقدار مشخصی از چند کالای اساسی تعیین‌شود.

دامنه شمول کالابرگ و بارانه محدوداست

موضوع مهم دیگر، ابعاد و دامنه شمول این افزایش است. پیش‌تر بحث تخصیص این افزایش به تمام دریافت‌کنندگان مطرح بود، اما اماره، محدودسازی آن به دهک‌های پایین‌تر و تثبیت رقم قبلی برای دهک‌های بالاتر در دستور کار قرار گرفت. وزیر اقتصاد نیز از حداقل افزایش ۳۰۰ هزار تومانی سخن گفته، اما تعیین رقم نهایی و دهک‌های مشمول را موقوف به تصمیمات بعدی کرده‌است. دبیر اجرایی خانه کارگران ستان بوشهر در پاسخ به این که آیا اختصاص این مبلغ به سه دهک اول توان پوشش هزینه‌ها را دارد یا خیر، گفت: با شرایط فعلی، این مبلغ نمی‌تواند پاسخگوی هزینه‌های ضروری باشد. مادر بازار هستیم و می‌بینیم که قیمت‌ها تقریباً هر روز با هر جهش‌های قیمتی‌شان، مدیریت را از کنترل خارج می‌کنند. به گونه‌ای باشد که رشد قیمت اقلام اساسی متناسب با باتون تحمل مردم نگه‌داشته‌شود. حداقل انتظار، همخوانی رشد دستمزد با نرخ تورم است؛ نه این که در برابر افزایش ۵۰ درصدی حقوق، جامعه متحمل تورم ۲۰۰ تا ۲۵۰ درصدی شود. قطعاً در این وضعیت، معیشت کارگران به مخاطره افتاده و اضافه کردن ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان یا حتی یک میلیون تومان به کالابرگ و بارانه، گریز از مشکلات معیشتی آنان باز نمی‌کند.

